



در نظام سرمایه‌داری، تا اختلاف طبقاتی نباشد، شتاب در انگیزش پیدا نمی‌شود.

مرحوم استاد سید منیرالدین حسینی الهاشمی:

اختلاف طبقه نسبت به طبقه پایین قاعده‌هرم، «تحقیر» می‌آورد و نسبت به طبقات بالا «تجلیل»؛ طبقه بالا را مسلط می‌کند و به او اذن تکبر می‌دهد؛ حتماً باید بین مالک و سرمایه‌دار و متخصص در مصرف کردن، اختلاف طبقه وجود داشته باشد تا انگیزه پس‌انداز و انگیزه تجمع سرمایه به وجود بیاید، تا در نهایت «سرمایه» احترام خودش را پیدا کند.

دلیلش چیست که در تهران در مدت یک سال یک پل جابه‌جا می‌شود، ولی در قم درست کردن یک زیرگذر پنج سال طول می‌کشد؟

می‌گوییم وقتی که اختلاف طبقاتی وسیع را پذیرفتید یعنی گفتید که ماهانه یک میلیون تومان به مدیر عامل می‌دهیم و به زیردستان او از ماهی پانصد هزار تومان تا سیصد و دویست هزار تومان یا کمتر می‌دهیم، در این صورت این «خان» جدید را به رسمیت شناخته‌اید!

خانی که قبلاً در روستا بود از نظر نوع خلقت که فرقی با مردم نداشت، بلکه نوع قدرت سیاسی و فرهنگی و اقتصادی او تفاوت داشت، یعنی مسئله اطاعت از او و امتثال امر او تفاوت داشت؛ چون قدرت خرج کردن داشت، چون راحت می‌توانست کسی را نصب یا عزل کند و می‌توانست پول‌ها را به صورت رایگان هزینه کند؛



در واقع، خان با تکیه بر قدرت سرمایه که فرهنگ خاصی به دنبال می‌آورد، قدرت تحقیر کردن داشت و از اختیارات بالایی در تجلیل و تحقیر برخوردار بود.

در اینجا هم آقای شهردار به یک شرکت می‌گوید که یک چک یک میلیارد تومانی برای فلان قضیه صادر کن و در خرج کردنش هم مثل آقایان مقدسین قم سلوک نمی‌کند، بلکه به مدیرعاملش پول بی حساب می‌دهد و می‌گوید این پول حق خودت است؛ آقای مدیرعامل هم این پول را مصرف می‌کند و اثرش این است که هم جرئت روحی می‌یابد و هم ترس دارد که اگر اطاعت نکند این درآمدش قطع شود؛

یعنی هم جرئت روحی در داد زدن بر سر زیردستانش پیدا می‌کند و هم ترس از مافوقش که مبادا عزلش کند!



این مسئله به صورت طبقاتی امتداد می‌یابد تا آنجا که اگر فرضاً قرار است ده هزار نفر برای ساخت یک پل کار کنند، از آن کارگری که سیمان می‌آورد تا آن کارگری که پیچ و مهره و آهن می‌آورد و... همگی دغدغه شدید دارند.

«تقوا» دغدغه داشتن است، اما گاهی دغدغه نسبت به خداوند متعال و آخرت است و گاهی نسبت به از دست دادن دنیا است.

در اینجا اگر تقوای مادی پیدا نشود کارگران کار خود را به موقع انجام نمی‌دهند و اگر کار خود را به موقع انجام ندهند محال است که این پل در یک سال ساخته شود؛ معلوم می‌شود که همه اینها قبل از روز کار، خودشان را آماده کرده و در صف بوده‌اند تا کارشان را به موقع انجام دهند. این کار حاصل دغدغه مادی است.



شاید پرسید دغدغه مادی چه چیزی را
ایجاب می‌کند؟ می‌گوییم دغدغه مادی
اخلاق‌ساز است و خلق اجتماعی می‌سازد.
در نظام سرمایه‌داری، واضح است که تا
اختلاف طبقه نباشد شتاب در انگیزش
پیدا نمی‌شود، اطاعت و فرمان‌بری و
عده‌پذیری پیدا نمی‌شود؛ اگر بخواهید
این امور پیدا شود، باید این اختلاف طبقه
وجود داشته باشد.

این اختلاف طبقه حتماً نسبت به طبقه
پایین قاعده هرّم، «تحقیر» می‌آورد و
نسبت به طبقات بالا هم «تجلیل» می‌آورد؛
طبقه بالا را مسلط می‌کند و به او اذن
تکبر می‌دهد؛ به او حق خود را بزرگ
دانستن و با هرگونه بی‌انضباطی برخورد
شدید کردن می‌دهد. برخورد شدید به چه
معنا است؟ به این معناست که کارش را
از او می‌گیرند و او را تحقیر می‌کنند.



انگیزش در «سرمایه‌داری» به وسیله اختلاف طبقه انجام می‌گیرد، لذا در این دستگاہ می‌گویند اگر اختلاف طبقه را بردارید انگیزه از بین می‌رود. بنابراین حتماً باید بین مالک و سرمایه‌دار و متخصص در مصرف کردن، اختلاف طبقه وجود داشته باشد تا انگیزه پس‌انداز و انگیزه تجمع سرمایه به وجود بیاید، تا در نهایت «سرمایه» احترام خودش را پیدا کند.

نه تنها بین سرمایه‌دار و مدیر بلکه بین مدیر و متخصص هم باید اختلاف باشد؛ سرمایه‌دار باید بتواند نسبت به مدیر آمر باشد مدیر هم باید بتواند نسبت به متخصص آمر باشد، متخصص هم باید نسبت به تکنسین آمر باشد تکنسین هم باید نسبت به کارگر ساده آمر باشد. نظام سرمایه‌داری این سلسله مراتب امر و نهی و ولایت مادی را از طریق نحوه توزیع ثروت اعمال می‌کند؛



می‌گویید اگر می‌خواهید زندگی‌تان مرفه باشد، باید در تعاریف طبقه‌بندی شده نظام من، جای خود را عوض کنید و بالاتر بیایید و الا، فرضاً، موقع مریضی باید در صف دکتر بایستید یا خودتان جلوی فرزندتان از درد به خود بیچید یا فرزندتان جلوی شما از درد به خود بیچد!

نظام سرمایه‌داری می‌گوید ما برای مدیران ارشد سرمایه، نسبت به انواع جراحی‌هایی که برای زیبایی و التذاذات آنان لازم است بهترین وسایل را ایجاد می‌کنیم؛ چون برای اینگونه هزینه‌ها خریدار هست، لذا در این جهت سرمایه‌گذاری می‌شود و تحقیقات انجام می‌گیرد و از این تحقیقات، به نفع همین قشر کوچک استفاده می‌شود.



اما می‌گویند باید به طبقات ضعیف
کمک شود تا به حداقل بهداشت
دسترسی پیدا کنند؛ چون اینها اقشار
آسیب‌پذیر هستند! دقت کنید که
در کلمه «اقشار آسیب‌پذیر» بزرگ‌ترین
تحقیر خوابیده است؛ می‌گویند چون این
بیچاره‌ها نتوانسته‌اند به رده‌های بالاتر
بیایند، لذا به اینها ترحم می‌کنیم!

۱۳۷۸/۹/۲۸

۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



برشی از کتاب
علل و عوامل ناهنجاری‌های اجتماعی
اثر استاد سید منیرالدین حسینی

اندیشه منیر
AndisheMonir